

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۱۴ - ۸۵

بررسی مفهومی و مصداقی استقامت در قرآن و سنت با تأکید بر اقتصاد مقاومتی

^۱ سیدمحمدعلی حسینی فر

^۲ جعفر تابان

^۳ محسن طاهری

چکیده

این مقاله با موضوع «بررسی مفهومی و مصداقی استقامت در قرآن و سنت با تأکید بر اقتصاد مقاومتی» بر آن است که با بررسی آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار (ع) و همچنین سیری در منابع و کتابهای مرتبط، به بحث پیرامون موضوع بپردازد و بتواند به بخشی از سوالات و مشکلات در این خصوص بپردازد. روش این پژوهش با توجه به امکانات و منابع موجود روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد همچنین در انجام این پژوهش به این نتیجه رسیدیم که: در درجه اول استقامت در زمینه‌ی اقتصاد نقش مهمی در بالندگی کشور و رساندن ملت به سعادت و کمال دارد. نتیجه دیگری که از این پژوهش به دست می‌آید شناسایی استقامت است که با شناخت ویژگی‌های آن به این نتایج رسیدیم که استقامت دارای ویژگی‌هایی چون ولایت مداری، عدالت، استقلال و ... است. دانسته شد استقامت، فرهنگ ولایتمداری است یعنی حرکت در مسیر راستین خدا در تمام امور زندگی ما حاضر باشد. همچنین فهمیدیم استقامت، فرهنگ سختی و تکلیف است، یعنی همراه با استقامت باید صبر و تحمل باشد، البته نتایج آن نیز به موازات این سختی‌ها بزرگ‌اند. یکی دیگر از ویژگی‌های استقامت در زمینه اقتصاد، سعی و تلاش و قناعت ورزیدن است. یکی دیگر از بخش‌های این پژوهش بررسی موانع پیش‌روی استقامت در زمینه اقتصاد مقاومتی بود. از جمله موانع، می‌توان به بروز فساد اقتصادی در کشور اشاره کرد که به نوعی مهمترین مانع پیش‌روی استقامت است زیرا تأثیر زیادی روی افکار و روحیه افراد دارد.

واژگان کلیدی

اقتصاد مقاومتی، استقامت، قرآن، سنت.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن وحديث، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

Email: Sma.hoseinifar@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن وحديث، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: jafartaban@yahoo.com

۳. عضو هیات علمی گروه علوم قرآن وحديث، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

Email: Taheri.publiclaw@hotmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۶/۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۸

طرح مسأله

قرآن کریم کتابی زمان و جهان شمول است که همگام با زمان و تطورات متأثر از آن، به نیازهای انسان پاسخ می‌دهد. تبیان جامعی است که به موضوعات مبتلا به جامعه بشری به نحو مطلوب می‌پردازد. از جمله این موضوعات، استقامت و به شکل خاص تر اقتصاد مقاومتی است. با بررسی آیات قرآن کریم مشخص می‌شود که پایداری در قرآن کریم مرتبط با صبر، ثبات قدم و استقامت است. هر یک از واژه‌های فوق، مرتبه‌ای از پایداری را به خود اختصاص می‌دهد، به طوری که صبر و حلم، مقدمه‌ی پایداری، ثبات قدم دومین گام و استقامت سومین و مهم‌ترین گام در راه رسیدن به پایداری در قرآن است. در حقیقت، استقامت، پایداری در مقابل امری نامتعارف و نامتعادل برای رسیدن به تعادل و تداوم این تعادل است. قرآن کریم همگام با سنت اسلامی برای رسیدن به تعریفی جامع و کامل از استقامت در بعد اقتصادی آن، آموزه‌های متعددی در ابعاد مختلف بیان نموده است. این آموزه‌ها از ضرورت آشنایی با علم اقتصاد و لزوم مراعات شرایط و ضوابط زندگی شهری و قوانین اقتصادی (بقره: ۵۸-۶۱) شروع شده تا بیان ویژگی‌های انسان اقتصادی (بقره: ۱۵۵) قواعد شرعی و کاربرد آن در اقتصاد همچون قاعده‌ی اتلاف (بقره: ۱۹۵)، عقود اسلامی جاری در اقتصاد، همچون عقد مضاربه (بقره: ۱۸۸)، عقد جعاله (یوسف: ۷۲) و عقد بیع و قرض (بقره: ۲۷۵ و ۲۴۵)، تا بیان اهداف اقتصادی اسلام همچون: استقلال اقتصادی (آل عمران: ۱۳۹)، تأمین رفاه عمومی و مبارزه با فقر (اعراف: ۳۲)، رشد توسعه جامع اقتصادی (توبه: ۶۰)، برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی (بقره: ۲۶۸)، اصول و راهبردهای توسعه اقتصادی (انفال: ۲۶-۲۷) و بسیاری از جنبه‌های مختلف اقتصادی که در کنار یکدیگر اقتصاد مقاومتی را به منصفه ظهور می‌رساند و الگویی جامع پیش روی جامعه‌ی مسلمانان قرار می‌دهد.

۱. بررسی معنایی واژه استقامت در متن قرآن

واژه استقامت مصدر بر وزن استفعال از ماده‌ی «ق و م» می‌باشد. این واژه به شکل مصدری در قرآن کریم نیامده، اما صورت‌های فعلی و اسم فاعل آن ۴۷ بار در قرآن کریم در معانی مختلفی به کار رفته است:

۱-۱. اعتدال

بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که واژه‌هایی مانند عدل، حنف، قصد، اقتصاد و استقامت در برخی کاربردهای قرآنی، تداعی‌گر مفهوم اعتدال اند؛ اعتدال در لغت به معنای مراعات تساوی و حد وسط بین دو چیز است (تاج العروس، ج ۱۷، ص ۵۹۲. مجمع البحرین، ج ۳، ص ۵۶۶).

با بررسی معناشناسانه این واژه ها به دست می آید که در قرآن واژه های معادل اعتدال، با مفاهیم پایه ای تری مانند توحید، حق و عدل پیوندی عمیق دارد. معیار و مرز اعتدال از منظر قرآن، التزام به توحید، رعایت حق و عدل، و خارج نشدن از صراط مستقیم بندگی خداست. در مجمع البحرین آمده است: استقامت به معنی «اعتدال در امر» است (طریحی، فخر الدین بن محمد. مجمع البحرین. ج ۶ محقق: حسینی اشکوری، احمد. تهران: مرتضوی، چاپ سوم. ۱۳۷۵ ش ص ۱۴۵)

معنای اعتدال از کلام امیرالمؤمنین علی (ع) پیداست که فرمودند: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا؛ عدل هر چیزی را در جای خود می نهد». در این آیه " فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ..." (شوری ۱۵) بنا بر این به دعوت پرداز، و همان گونه که مأموری ایستادگی کن " در این آیه استقامت را اعتدال معنی کرده است و گفته منظور در این جا اعتدال در امور نفسانیه از تقوی و مکارم الاخلاق است.

استقامت در به معنای استوی و اعتدال است. این واژه قبل از اسلام بوده و در قرآن هم آمده است و در اشعار عرب با همین معنا استفاده شده است. کعب بن زهیر در این خصوص می فرماید:

فَهُمْ صَرَفُوكُمْ، حِينَ جُرْتُمْ عَنِ الْهُدَى
بِأَسْيَافِهِمْ حَتَّى اسْتَقَمْتُمْ عَلَى الْقِيَمِ

۱-۲. ثبات

ماده «ث - ب - ت» حدود ۱۸ بار در قرآن استعمال شده است که ۱۱ مورد آن درباره استقامت و ثبات قدم و پایداری در عقیده و ایمان و نیز در جنگ و جهاد در برابر دشمن و پایداری برعهد و سوگند نیز آمده است. البته به نظر می رسد که واژه ثبات در قرآن کریم بیشتر به معنای ثبات در ایمان و عقیده آمده است.

«قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ»
(النحل، ۱۰۲)

«بگو: آن را روح القدس از طرف پروردگارت به حق فرود آورده، تا کسانی را که ایمان آورده اند استوار گرداند، و برای مسلمانان هدایت و بشارتی است.»

«وَلَوْ لَا أَنْ تَبَيَّنَّاكَ لَقَدْ كَذَبْتَ تَزَكَّى إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا» (الإسراء، ۷۴)

«و اگر تو را استوار نمی داشتیم، قطعاً نزدیک بود کمی به سوی آنان متمایل شوی»

«وَوَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِيُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ

تَرْتِيلًا» (الفرقان، ۳۲)

«و کسانی که کافر شدند، گفتند: «چرا قرآن یک جا بر او نازل نشده است؟» این گونه [ما

آن را به تدریج نازل کردیم] تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم، و آن را به آرامی [بر تو] خواندیم».

«وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيئًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطُلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (البقرة، ۲۶۵)

«و مَثَل [صدقات] کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا و استواری روحشان انفاق می‌کنند، همچون مَثَلِ باغی است که بر فراز پشته‌ای قرار دارد [که اگر] رگباری بر آن برسد، دو چندان محصول برآورد و اگر رگباری هم بر آن نرسد، باران ریزی [برای آن بس است] و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست».

۱-۳. استمرار و مداومت

از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای یکی از شروط دستیابی به موفقیت استمرار بر طریق و استمرار در استقامت است. و می‌بایست با تدبیر همراه گردد.

خداوند در جای دیگر از قرآن می‌فرماید: اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ. اما استقامت، پایداری در مقابل امری نامتعارف و نامتعادل است برای رسیدن به عرف و عدل مثلاً کوه‌ها استقامت زمین را زیاد می‌کنند در مقابل زلزله (وَالْجِبَالُ أَوْتَادًا) ولی رودها جریان مستمری هستند تا به دریا ریخته شوند و لذا تداوم دارند تا تعادل کامل (آرامش) بدست آرند. پس نتیجه می‌گیریم که «صبر» پایورزی در احقاق حق و ایجاد تعادل است و استقامت پایورزی در مقابله با عدم تعادل و تداوم تعادل است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ كَانَ عَلَى بَنِ الْخُسَيْنِ ص يَقُولُ إِنِّي لِأَجِبُ أَنْ أَقْدِمَ عَلَى رَبِّي وَ عَمَلِي مُسْتَوٍ عَلَى بَنِ حُسَيْنٍ (ع) می‌گفت: دوست دارم که با عملی مستمر و یکنواخت، به لقای حق واصل شوم» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۸۲) (جدم)

استقامت، همان ادای مأموریت و رساندن آن و جلوگیری از منهیات الهی است (طبرسی، ۱۳۸۰ش، ج ۵، ص ۳۰۴) که قرآن در این باره می‌فرماید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطَّغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (هود: ۱۱۲)؛ پس همان گونه که مأمور شده‌ای (بر عقاید و اعمال و ابلاغ دینت) پایدار باش و همچنین کسانی که با تو (به سوی خدا) رو آورده‌اند، و طغیان نکنید، که همانا او به آنچه به جا می‌آورد بیناست». استقامت در این آیه به معنای امر به مداومت بر استقامت است.

اقامه در بعضی آیات به معنی مداومت و ثبوت است، برای مثال در آیه "وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ" (یونس، ۱۰۵)

«و [به من دستور داده شده است] که به دین حنیف روی آور، و زنه‌ار از مشرکان مباش.»

۴-۱. پایداری و ایستادن

استقامت که به معنای استمرار و پایداری در راه، اعتدال، استواری و برپایی چیزی است. «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (حمد: ۶)؛ ما را به راه راست هدایت فرما. استقامت انسان یعنی ملتزم شدن بر راه راست «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت: ۳۰)». گفته اند استقامت آن است که ملازم طریق حق باشد، یعنی تا مشرکان در پیمان خود نسبت به شما ثابت قدم ماندند شما هم نسبت به آنها در پیمان خویش ثابت قدم باشید (قرشی، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۴۹) استقامت الشیء: آن چیزی که راست و بر راه مستقیم شد (انیس، منتصر، صوالحی، خلف احمد، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۲۵۲).

و در آیه ای می فرماید: " كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ " (التوبة، ۷)

«چگونه مشرکان را نزد خدا و نزد فرستاده او عهدی تواند بود؟ مگر با کسانی که کنار مسجدالحرام پیمان بسته‌اید. پس تا با شما [بر سر عهد] پایدارند، با آنان پایدار باشید، زیرا خدا پرهیزگاران را دوست می‌دارد.»

در این آیه منظور از استقامت، پایداری به عهد و پیمان در مورد کسانی است که به عهد خود وفادار ماندند. (دورپناه، ابولفضل. انوار العرفان فی تفسیر القرآن ج ۵. تهران: کتابخانه صدر. چاپ: اول. ۱۳۶۶ ش. ص ۴۱۴).

و در جایی می فرماید: " فَاسْتَقِيمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ " (هود، ۱۱۲)

«پس، همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن، و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند]، و طغیان مکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست.»

و در بعضی آیات مانند: " وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا " (الجن، ۱۶)

«و اگر [مردم] در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم.»

۵-۱. درست شدن و قیمت نهادن

واژه استقامت معنای مختلفی برای آن ذکر شده است، که در بخش های قبلی به مفصل درباره آنها صحبت شده است. یکی از معنای آن، درست شدن و قیمت نهادن است. (لغت نامه، ج ۶، ص ۲۱۸۱؛ فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۲۵۵)

در الافصاح آمده استقامت یعنی قیمت چیزی را تعیین کردن: «استقامه: قدر قیمتته» (الإفصاح فی فقه اللغة ج ۲، ۱۲۰۲)

در بخشی که از نظر گذشت، آیات دربردارنده مشتقات واژه‌ی استقامت از متن قرآن استخراج شد و با استفاده از خود آیه، سیاق مربوطه و به عنوان مثال شاهد از منابع دیگر همچون کتب معاجم و منابع حدیثی و شعر عرب استمداد جسته شد. اما، این شیوه به تنهایی برای فهم واژگان قرآنی کافی نیست، از این رو، شیوه دیگری در تکمیل شیوه اول مطرح شده است و آن گزینش بر اساس مفهوم موضوع است. چراکه هر واژه ای به غیر از شکل لفظی و صرفی خود، آیینی ای از معنا و مفهومی خاص است.

۲. بررسی معنایی واژه استقامت در آیات هم‌نوا (واژگان مرتبط)

همان گونه که در شیوه قبل از ارتباط شکلی کلمات هم خانواده برای فهم واژه استقامت بهره برده شد، از ارتباط مفهومی واژگان نیز می توان بهره برد. اما در این نوع، به خلاف نوع اول، یک رابطه ساده و خاص نیست، بلکه ارتباطات متفاوتی از جهت های گوناگون ممکن است برقرار باشد. این ارتباطات اغلب با کارکردهای متفاوت افق گسترده ای در فراهم کردن ابعاد معنایی واژه استقامت بروی ما می گشاید.

در بررسی به عمل آمده از متن قرآن، چهار واژه ارتباط معنایی وثیق با واژه استقامت دارند که در ذیل بدانها پرداخته شده است:

۲-۱. صبر

واژه صبر به معنای «خویشتن‌داری و حبس نفس بر چیزی که عقل و دین تقاضا می کند و از چیزی که شرع و عقل از آن نهی می کند»، یکی از واژگانی است که در اغلب موارد همراه با واژه «استقامت» ذکر شده است؛ تا حدی که در متون روایی و منابع دینی نیز از این دو واژه به صورت توأمان و همراه با یکدیگر استفاده شده است.

لکن باید توجه داشت که حوزه مفهومی این دو واژه با هم تفاوت‌هایی نیز دارد؛ استقامت به معنای پافشاری و پایداری در اصل دین و ارزش‌های دینی و عدم انحراف از راه حق به بیراهه‌های کفر و شرک و نفاق است که بیشتر بُعد فکری و عقیدتی در آن لحاظ شده است و صبر به معنای شکیبایی در برابر سختی‌های اطاعت و دشواری‌های مصائب و عدم تمکین در برابر طغیان شهوات است که بیشتر در مقام عمل متصور است؛ [۵] لذا قرآن کریم نیز صبر و ثبات قدم [استقامت] را به صورت جداگانه به کار برده و می فرماید: (وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ اَقْدَامَنَا وَ اَنْصُرْنَا عَلَی الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ): [۶] چون با جالوت و سپاهش رو به رو شدند، گفتند: ای پروردگار ما، بر ما شکیبایی عطا کن و ما را ثابت قدم گردان و بر کافران پیروز گردان.

به طور مثال در آیه‌ای می فرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَ اِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ اِلَّا عَلَی الْخَاشِعِينَ» (البقره، ۴۵) «از شکیبایی و نماز یاری جوید و به راستی این [کار] گران است، مگر

بر فروتنان»

فرق استقامت و صبر

صبر در نامالیمات به کار می‌رود در حالی که استقامت این گونه نیست. صبر یک نوع خودداری، توأم با توقف و سکون است اما استقامت پایداری است و غیر از بردباری می‌باشد. همچنین در استقامت نوعی حرکت وجود دارد.

آیات قرآنی که به صبر اشاره می‌کند مانند:

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

در جای دیگر قرآن صبر مصداقی همچون روزه دارد: اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ

الصَّابِرِينَ.

اما استقامت، پایداری در مقابل امری نامتعارف و نامتعادل است.

این مضامین در آیه معروف ابراهیم و اسماعیل آمده است: ابراهیم خواب می‌بیند که باید اسماعیل را قربانی کند و جریان را با اسماعیل در میان می‌گذارد، اسماعیل هم در جواب می‌فرماید:

فاستقم كما أمرت ومن تاب معك ولا تطغوا إنه بما تعملون بصير: پس همان گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن؛ و همچنین کسانی که با تو بسوی خدا آمده‌اند (باید استقامت کنند) و طغیان نکنید، که خداوند آنچه را انجام می‌دهید می‌بیند!

قَالَ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا: (موسی) گفت: به خواست خدا مرا شکبیا خواهی یافت و در هیچ کاری، تو را نافرمانی نخواهم کرد.

۲-۲. حلم

خودداری نفس در طبیعت از هیجان و بر آشتگی و خشم (راغب اصفهانی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۲۵۳)، بردباری، شکبیایی، خویشتن داری، عقل و خرد (ابن فارس، ۱۴۳۳، ۴۰۹)، عقل و مسببات آن است یعنی عقل و بردباری (قرشی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۱۶۷)، صاحب خرد، عقل‌ها و تثبیت در امور است و آن از نشانه‌های عقلا می‌باشد. حلم به معنای حوصله، ضد کم تحملی است چون حوصله عبارت از ضبط نفس و کنترل طمع است از اینکه دچار هیجان غضب شود و در عقوبت طرف عجله کند و این خود ناشی از استقامت فکر است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۱۸۷). نقطه مقابل غضب و خشم و لجام گسیختگی، حلم و بردباری و خویشتن داری است و همان گونه که از امام حسن (ع) نقل شده که وقتی از ایشان درباره حلم سؤال کردند فرمودند: حلم فرو بردن غضب و تسلط بر نفس است. همچنین گفته شده صبر در مقابل موجبات خشم و غضب را حلم می‌نامند. کلمه حلم که (حلیم) از آن مشتق شده، به معنی خودداری و بردباری به هنگام خشم و غضب است (نجفی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۳۶۱). از پیامبر (ص) درباره حلم

پرسیدند، فرمود: (كظم الغيظ و ملك النفس) (حلم فروبردن غضب و تسلط بر نفس است) مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص ۱۰۲). همچنین در تفسیر روشن گفته شده که حلم، عبارت است از ضبط نفس از هیجان غضب و قهر و احساسات تند و حصول حالت سکون و طمأنینه و صبر و بردباری در مقابل نامالایمات.

فرق استقامت و حلم

بارزترین مصداق حلم، کظم غیظ است به عبارت دیگر حلم، حالتی است که موجب کظم غیظ (فرو نشاندن خشم) می‌گردد. از امیر مؤمنان علی (ع) روایت شده که فرمود: «خَيْرُ الْجَلْمِ التَّحَلُّمُ (تمیمی آمدی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۸۵)؛ بهترین حلم فرو نشاندن خشم است» در قرآن یکی از صفات پرهیزکاران بیان شده است که «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ (آل عمران: ۱۳۴)؛ فرونشاندگان خشم». گاهی هم از صبری که در برابر جهالت دیگران می‌شود، تعبیر به حلم می‌کنند (تهرانی، ۱۳۹۱، ص ۳۴). اما استقامت همان طور که در بالا توضیح داده شد چیزی غیر حلم و بالاتر از آن می‌باشد. در واقع یکی از مواردی مهم برای رسیدن به استقامت حلم است. یعنی حلم در طول استقامت و یکی از اجزاء استقامت است.

۲-۳. ثبات

واژه «ثبات» مأخوذ از ماده «ثبت»، ضد «زوال» و به معنای ایستادگی و مقاومت بوده و اغلب در باب جهاد مورد استعمال قرار می‌گیرد؛ (المیزان، ۹: ۱۲۸) چنانچه خداوند متعال با دعوت از مؤمنین برای ایستادگی و مقاومت در برابر کفار، خطاب به آنان می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون با گروهی [از سپاه دشمن] رو به رو شدید، ثابت‌قدم باشید و خدا را [بر زبان و دل] بسیار یاد کنید، باشد که رستگار گردید.

همچنین در فرازی از زیارت عاشورا نیز آمده است:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَ ثَبِّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ؛ خدای من، شفاعت حسین "علیه السلام" را در روز ورود نصیبم بدار و گام‌های حقیقی‌ام را همراه با امام حسین "علیه السلام" و یاران او که خونشان را فدای حسین "علیه السلام" کردند، در نزد خود ثابت و محکم بدار.

البته باید توجه داشت که میان این دو واژه تفاوت‌هایی نیز وجود دارد؛ از جمله اینکه به گفته برخی از لغویان، «ثبات» ویژه امور مادی و «استقامت» مربوط به امور معنوی است (قرطبی، ۸: ۲۴۰) هر چند که در محاورات و استعمالات رایج در کنار یکدیگر و بدون فرق‌گذاری به کار می‌روند.

«وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُوْدِهِ قَالُوا رَبَّنَا أفرغ علينا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ

الْكَافِرِينَ» (البقره، ۲۵۰)

«و هنگامی که با جالوت و سپاهیان‌ش روبه‌رو شدند، گفتند: پروردگارا، بر [دل‌های] ما شکیبایی فرو ریز، و گام‌های ما را استوار دار، و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای.»

«وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (آل عمران، ۱۴۷)

«و سخن آنان جز این نبود که گفتند: پروردگارا، گناهان ما و زیاده‌روی ما، در کارمان را بر ما ببخش و گام‌های ما را استوار دار، و ما را بر گروه کافران یاری ده.»

«منظور از ثبات قدم، ثبات در سنت و سیرت دینی است و به‌طور کلی ثبات در هر چیز به اندازه و در محدوده همان چیز است؛ بنابراین وقتی می‌گویند: فلان شخص «ثابت قدم» است یعنی آنجا که می‌اندیشد، ثابت فکر و آنجا که باید سخن بگوید، «ثابت قول» و ... است؛ ولی از آنجا که رونده بیش از هر چیز، به نیروی «پا» محتاج است و از آن کمک می‌گیرد، ثبات بیشتر به «قدم» اسناد داده می‌شود و نیز اینکه می‌گویند فلان سالک پایدار است، از همین قییل است.»

فرق استقامت و ثبات

ثبات آن است که نفس انسان بتواند در مقابل دردها و سختی‌ها مقاومت کند، به نحوی که اگر این دردها و سختی‌ها بر نفس عارض شد شکسته نشود (نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۷، ص ۷۶). پایداری انسان در صحنه‌های خطرناک و هولناک و مقاومت در برابر شداوند و ناملایمات به صورتی که علامت شکست در او نمایان نشود هر چند مصیبت، بزرگ باشد را ثبات گویند.

در آیه ذیل سپاه طالوت از خداوند ثبات قدم می‌خواهند «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا افرغ علينا صبراً وثبت اقدمنا وانصرنا على القوم الكافرين» (بقره: ۲۵۰)؛ چون با جالوت و سپاهش روبه‌رو شدند، گفتند: ای پروردگارا، بر ما شکیبایی ببار و ما را ثابت قدم گردان و بر کافران پیروز ساز.»

ثبات قدم در این آیه یعنی این که ما همیشه به سوی آینده و مقابل در حرکتیم. چون تثبیت به معنای برقرار کردن و ادامه دادن و اقدام به معنای آنچه متقدم است می‌باشد (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۸۶). اما استقامت پیوسته جریان دارد و مدام باید فرد با استقامت در حرکت و جنب و جوش باشد تا به هدفش به طور تمام و کمال برسد. در واقع در طی راه استقامت ثبات قدم نیز همانند حلم، یکی از موارد رسیدن به استقامت است.

۲-۴. دوام

اصل دوام، سکون و آرامش است (راغب اصفهانی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۳۲۲). دام یدوم دوام، دواماً یعنی ثابت شد (طریحی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۶۴). ساکن و سکون (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸

ص ۸۶)، پایدار و استوار و دائم، دوام چیزی یعنی آن چیز را پایدار کرد، یا آن کار را همواره ادامه داد (بستانی، ۱۹۰۶م، ج ۱، ص ۳۸۳)، همچنین گفته شده که دوام به معنی ثبوت و امتداد است (داورپناه، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۲۴).

دوام عبارت است از اینکه چیزی در همه زمان‌ها بوده باشد و منطبق بشود بر ریشه لایتناهی زمان، شمول نسبت چیزی است در تمام زمان‌ها و اوقات چه آنکه ممتنع الانفکاک از موضوع باشد و دوام اعم از ضرورت است.

فرق استقامت و دوام

اصل دوام به معنای ثبوت و امتداد (قرشی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۷۹) و سکون و آرامی است. اما در استقامت نوعی حرکت وجود دارد مثلاً اگر کسی در حال رفتن در یک مسیر باشد، به او گفته شود: (برو، خسته نشو، ادامه بده). این توصیه به استقامت است در حالی که دوام، با ثابت شدن و ماندن و سکون همراه است.

۲-۵. اعتدال

استقامت در به معنای استوی و اعتدال است. اعتدال از ریشه عدل، به معنی میانه‌گیری مابین دو حالت یک چیز از نظر کمی و کیفی و تناسب برقرار کردن میان آن دو است. در قرآن واژه‌های معادل اعتدال، با مفاهیم پایه ای تری مانند توحید، حق و عدل پیوندی عمیق دارد. معیار و مرز اعتدال از منظر قرآن، التزام به توحید، رعایت حق و عدل، و خارج نشدن از صراط مستقیم بندگی خداست.

از میان آیات الهی می‌توان به اشاره‌های قرآن دقت نمود که در آن به نمادهای اعتدال توجه شده است. اولین نماد، اهل بیت (ع) می‌باشند. آیه‌ای از قرآن کریم از گروهی معتدل در میان امت اسلام خبر داده است: «ثم أورثنا الكتاب الذين اصطفينا من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرت بإذن الله ذلک هو الفضل الکبیر». در روایات وارده از معصومین (ع) مقصود این آیه، اهل بیت پیامبر (ع) دانسته شده است. نماد دیگر حضرت ابراهیم (ع) می‌باشد. در قرآن، مسلمانان مامور به تبعیت از دین ابراهیم (ع) شده‌اند.

در جایی فرموده: «فاتبعوا ملة ابراهیم حنیفا» و در جای دیگری فرموده: «واتبع ملة ابراهیم حنیفا». از ویژگی‌های دین حضرت ابراهیم (ع)، حنیف بودن آن است. «حنیف» یعنی معتدل و به دور از انحراف، همچنین، عبادالرحمان نیز به عنوان انسان‌هایی معتدل و به دور از افراط و تفریط معرفی شده‌اند. در شان آنان آمده است: «والذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قوام» و کسانی که چون هزینه می‌کنند، اسراف نمی‌کنند و خسته نمی‌ورزند، بلکه میان این دو، راه اعتدال را می‌گیرند.

۳. مولفه های اقتصادی

انسان با توجه به اینکه از ذخائر و نیروهای نهفته در وجود خویش به طور کامل خبر ندارد، نمی داند چگونه آنها را رهبری کند و مورد بهره برداری قرار دهد. از سوی دیگر، انسان نسبت به حیوان از غرائز طبیعی کمتری برخوردار است؛ لذا به رهبری، مدیریت و هدایت از خارج نیاز دارد؛ رهبری و مدیریتی که به واسطه آن، راه به او نشان داده شود و نیروهایش سامان یابد. این همان اصلی است که مبنا و فلسفه بعثت انبیاست؛ چرا که فلسفه بعثت انبیاء متکی به اصل نیاز بشر به راهنمایی و رهبری است [۲۷، ص ۳۳۲ و ۳۳۳]. در واقع هیچ جامعه و سازمانی بدون نظام مدیریتی نمی تواند به کمال خویش دست یابد. مدیریت است که می تواند نقش هدایتی، هماهنگی و نظارت را در جامعه به عهده گیرد و افراد را در آن مسیر قرار دهد [۳۱، ص ۲۰۱ و ۲۰۲].

اکثر فقها و متفکران اسلامی، از جمله میرزای قمی بر این باورند که مدنیت و اجتماع مقتضای فطرت انسان است و اجتماعی بودن و زندگی جمعی انسان، نیاز وی را به حکومت و حاکم ضروری می کند، چرا که در زندگی جمعی انسان ها مشکلات و مسائلی پیش می آید که برای رفع آن ها به وجود حاکمی نیاز است [۲۹، ص ۲۳].

در اسلام در عین اینکه اطاعت از رهبر واجب است در آیه هایی از قرآن کریم می بینیم که به پیامبر اکرم خطاب شده با مردم در کارها مشورت کن، می توان گفت مراد مشورت در کارهای دنیائی است، نه در احکام الهی [۲۵، ص ۳۱۷]. با اینکه حق نصیحت، انتقاد، تحقیق و بررسی مردم نسبت به زمامدار پذیرفته شده است؛ در عین حال از حفظ حرمت رهبری در جامعه غفلت نگشته است [۱۳، ص ۱۸۴].

بنابراین می توان گفت: رهبری از مهم ترین و سرنوشت سازترین عناصر در تمامی حرکت های فردی و اجتماعی انسان هاست. هم چنان که مبین راز سقوط و صعودهاست. بنابراین با اطاعت از رهبری صالح تمدن اسلامی شکل می گیرد و در مقابل با عدم اطاعت از رهبر تمدن سقوط می کند.

۳-۱. مالکیت اساسی از آن خداست

«وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنَا لَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ بَلْ هُوَ سَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (آل عمران / ۱۷۸ و ۱۸۰)؛ «کسانی که کافر شدند، نپندارند مهلتی که به آنان می دهیم، برایشان بهتر است. تنها بدین جهت به آنان مهلت می دهیم تا بر طغیان و گناه خویش بیفزایند و برای آنان عذایی است خفت بار و آنان که از دادن آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده است، بخل

می‌ورزند، گمان نکنند که این برایشان خیر است، بلکه شر است. آنچه به آن بخل ورزیده اند، به زودی در قیامت، بر گردنشان طوق خواهد شد. میراث آسمان‌ها و زمین از آن خداست و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است»

آیه‌ی فوق ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که بر ثروت موجود در دست افراد قدرتمند چشم ندوزیم و از و تهدید آن‌ها نهراسیم که آن‌ها نیز خود ملک و مال را وامدار خدای متعال‌اند. پس به جای اطاعت از دستور افراد مافوق دست به جمع مال از راه حرام نزنیم و با توکل و تلاش از راه حلال روزی تضمین شده را مالک شویم.

«إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (توبه / ۱۱۶)؛ «فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن خداست. زنده می‌کند و می‌میراند و شما را جز خدا دوستدار و یاور نیست.»

این آیه هشدار می‌دهد که در مقابل از دست رفتن نعمت جزا خدا یاری‌گری نخواهد بود پس برای بقای نعمت با بیمه‌گذاری مطمئن وارد معامله شویم.

«لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (مائده / ۱۷)، «آنان که گفتند: خدا همان مسیح پسر مریم است، کافر شدند، بگو: چه کسی می‌تواند عذاب خدا را دفع کند اگر اراده کند، مسیح پسر مریم و مادرش و همه اهل زمین را به هلاکت رساند؟ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و هرچه میان آن‌هاست از آن خداست. آنچه می‌خواهد می‌آفریند و خدا بر هر چیز تواناست» (جمعی از نویسندگان، تعلیم قرآنی، ج ۶، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی، اول: ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۳۹)

«زَبَّ قَدْ أَتَيْتَنِي مِنَ الْمَلِكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (یوسف / ۱۰۱)، «پروردگارا این سلطنت را به من دادی و تعبیر حوادث رؤیا به من آموختی، تویی خالق آسمان‌ها و زمین! تو در دنیا و آخرت مولای منی، مرا مسلمان بمیران و قرین شایستگانم بفرما»

در آیات فوق مالکیت مطلق خداوند، بخشش از فضلش به انسان، قادر مطلق بودن بر حیات و ممات انسان، دعوت ضمنی بشر به بخشش اموال و عواقب بخل یادآوری شده است.

«الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (فتح / ۴)؛ «اوست که بر دل‌های مؤمنان آرامش فرستاد تا بر ایمانشان پیوسته بیفزاید و از آن خداست لشکرهای آسمان‌ها و زمین و خداوند دانا و حکیم است.»

در کتاب تعالیم قرآنی آمده است: «عواملی همانند از دست رفتن سود و به خطر افتادن آن، انسان را نگران و آشفته می سازد و در حوادث تلخ و فراز و نشیبها در بحران روانی قرار می-دهد؛ زیرا کسی که حفظ منافع را هدف اصلی خود می داند، هرگاه آن را در خطر ببیند حیاتش را پایان یافته تلقی می کند و امیدی برای زیستن نمی یابد و در مراحل نیز دست به انتحار می زند» (جمعی از نویسندگان، تعالیم قرآنی، ج ۶، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، اداره آموزش های عقیدتی سیاسی، اول: ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۳۹).

با توجه به آیات فوق تنها ایمان است که از اضطراب آدمی در حین زوال نعمت می کاهد و به وی آرامش قلبی می بخشد؛ زیرا کسی که اصول زندگی اش را بر پایه معارف صحیح و اعتقادات یقینی استوار سازد، هرگز دچار بحران روانی نمی گردد، ترس و تردید او را فرا نمی گیرد و در مقاطع خطیر و حوادث ناگوار خود را نمی بازد، چرا که حوادث جهان را معلول نظام الهی و ناشی از اذن و تدبیر خداوند می داند، روحیه خود را با توکل به خدا تقویت و هر حادثه تلخ و شیرین را برای خود امتحان تلقی می کند.

یک انسان موحد سرنوشت خود را تنها در مجاری طبیعی و مادی جهان نمی جوید و آن را به دست تدبیر شخصی خود نمی سپارد؛ بلکه پدیده های آفرینش را لشکر خدا می داند و عوامل افسردگی و یأس و اضطراب را با همین بینش تفسیر می کند. در گرفتاری ها و مشکلات اقتصادی به بن بست نمی رسد و دست خدا را در تمام حیاتش می بیند. در مشکلات و گرفتاری ها از او مدد می جوید. به جای طلب آرامش از بیگانگان آرامش و اطمینان قلبی را در سایه توکل به خدا برخوردار می شود، بسان کسی که در خانه ای امن و دور از اطلاع و دستیابی دشمن پناه گرفته باشد.

۳-۲. وسع رزق به دست خداست

فرد مؤمن و معتقد روزی رسان اصلی را خدا می داند و بنا به فرمان خالق خویش برای کسب روزی حلال تلاش می نماید. چنین شخصی هرگز در کسب معاش سستی ننموده و در تنگناها دست به دامن بیگانگان نخواهد شد. در آیه ذیل وسعت رزق با توجه به نیاز، توان، صلاح و ظرفیت افراد را به خدا نسبت داده است؛ بنابراین به جای رباخواری، دست زدن به ظلم، خوردن مال دیگران، رشوه گرفتن و ... با ایمان و توکل گشایش را از مبدا اصلی خواهیم.

«إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا» (اسراء / ۳۰)؛ «که پروردگار تو رزق را برای هر که بخواهد توسعه می دهد و برای هر که بخواهد تنگ می گیرد، آری او به (صلاح) بندگان خودآگاه و بینا است». (طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۳، پیشین، ص ۱۰۶ و ۲۰۹)

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ

مَمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء ۷۰): «و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنان را بر مرکب‌های آبی و صحرایی سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزیشان کردیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری شان دادیم، آن هم چه برتری؟»

با توجه به آیات فوق انسان مؤمن به جای کبر و غرور در عین برخورداری از نعمت الهی نسبت به تنگدستان شیوهی بخشندگی را در پیش می‌گیرد.

۳-۳. ایمان و تقوا شرط برخورداری از نعمت و امکانات اقتصادی

تقوی، استغفار و ... باعث افزایش روزی: علامه طباطبائی راجع به رابطه اقتصاد و اعمال انسان می‌فرماید: در کتاب خدای تعالی دو آیه هست که مطلب را تمام کرده و به وجود این ارتباط تصریح نموده است،

یکی آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الثَّرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف / ۹۵)، «اگر اهل بلاد ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، ما برکت‌هایی از آسمان بر آنان می‌گشودیم، ولیکن تکذیب کردند و ما به جرم این عادتشان گرفتیم».

دیگری آیه: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمَلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم / ۴۱): «فساد در خشکی و تری زمین اگر پیدا شد به خاطر اعمالی است که مردم کردند تا خدا بعضی از آنچه را که کردند به ایشان بچشاند. تا شاید برگردند».

در آیات مذکور ارتباط تقوی و ایمان در عملکرد افراد را با وسعت رزق بیان و از گناه و فساد برحذر می‌دارد؛ زیرا ظلم و فساد باعث زوال نعمت و قحطی در خشکی و دریا می‌شود. چه بسا افرادی که به خاطر ظلم به زیردستان، رشوه خواری و فساد اقتصادی به یکباره تمام زندگی خود را از دست دادند و به خواری مبتلا شدند.

آقای مکارم ذیل آیه بایان اینکه سرچشمه فساد، اعمال خود مردم است می‌نویسد: «در آیات گذشته، سخن از شرک در میان بود و می‌دانیم ریشه اصلی تمام مفاسد فراموش کردن اصل توحید و روی آوردن به شرک است، لذا در آیات مورد بحث نخست سخن از ظهور فساد در زمین به خاطر اعمال مردم به میان آورده، می‌گوید: «فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده اند آشکار شده»، «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»، خدا می‌خواهد عکس‌العمل کارهای مردم را به آنها نشان دهد و نتیجه بعضی از اعمالی را که انجام داده‌اند به آنها بچشاند. «شاید بیدار شوند و به سوی حق بازگردند!»

«لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمَلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»، آیه فوق معنی وسیع و گسترده‌ای را پیرامون ارتباط «فساد» و «گناه» با یکدیگر بیان می‌کند که نه مخصوص سرزمین مکه و حجاز است و نه عصر و زمان پیامبر (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۶. تهران: دار الکتب

الإسلامية. دهم: ۱۳۷۱ ه. ش، ص ۴۵۳).

در بحار الأنوار آمده است (مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴. بیروت: دار إحياء التراث العربی. دوم: ۱۴۰۳ ق، ص ۱۲۷). «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»، فبین آن آجالهم كانت مشترطة في الامتداد بالبر و الانقطاع بالفسوق وقال تعالى - فيما خبر به عن نوح (عليه السلام) في خطابه لقومه: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً» الى آخر الآيات، فاشترط لهم في مد الأجل و سبوغ النعم الاستغفار، فلما لم يفعلوه قطع آجالهم و بتر أعمارهم و استأصلهم بالعذاب؛ فالبداء من الله تعالى يختص ماكان مشترطاً في التقدير و ليس هو الانتقال من عزيمة الى عزيمة و لا من تعقب الرأي - تعالى الله عما يقول المبطلون علواً كبيراً»

در اینجا استغفار شرط طول عمر، گشایش نعمت و دوری از عذاب شمرده شده است. گاهی انسان ها برای افزایش روزی به سرمایه گذاری در حساب سوددار، تقلب و غش در معامله و متوسل می شوند غافل از این که همین موارد خود مانع افزایش روزی است. در کنز الدقائق ذیل آیه فوق آمده است: قطعاً بر آنها وسعت خیر (روزی) داده و امر را از هر طرف برایشان آسان می نمایم.

در تفسیر کنز الدقائق ذیل آیه موضوع وسعت رزق کامل مطرح شده است «لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ: لوسعنا عليهم الخير و يسرناه لهم من كل جانب» (قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۵، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات. اول: ۱۳۶۸ ه. ش، ص ۱۳۸).

در تفسیر نور نیز چنین آمده: «هر کس با فکر، زبان و عمل خویش، دین اسلام را یاری کند، خداوند نیز او را حمایت می کند»، «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»، دریافت الطاف الهی، به تلاش انسان بستگی دارد؛ «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»، انتظار نصرت خداوند بدون تلاش و کوشش، توقعی نابجاست» (قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۹. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. اول: ۱۳۸۸ ه. ش، ص ۶۶)

استغفار از گناهان، ظلم و تعرض به اموال دیگران یکی از مقدمات کمک به مردم و در نهایت نصرت دین خداست که نتایج آن از جمله یاری و نصرت خدا را شامل حال انسان می نماید.

علامه ذیل آیه ۸ مائده جمله: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ» می فرماید: «امر کرد مؤمنین را به عدالت و این عدالت را وسیله‌ای شمرد برای حصول تقوا، ولی در آیه سوره نساء قضیه را برعکس کرد یعنی جمله: «فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا» را متفرع کرد بر امر به شهادت برای خدا، نخست امر کرد به اینکه برای خدا شهادت دهید و سپس از پیروی هوا و ترک تقوا

نهی نموده، این پیروی هوا و ترک تقوا را بدترین وسیله برای ترک عدل شمرد». در آیات قبل بحث ایمان و تقوا مطرح شد و این موضوع را از عوامل برخورداری مواهب و نعمت های الهی دانسته شد در این آیات با مضمونی دیگر مسئله را یادآوری و از پیروی هوای نفس در کلیه امور و هم چنین امور اقتصادی و مالی نهی شده و ترک تقوا دور از عدالت می‌داند. در نهج البلاغه آمده است: «پس کسی که تقوا را انتخاب کند، سختی‌ها از او دور گردند، تلخی‌ها شیرین و فشار مشکلات و ناراحتی‌ها برطرف خواهند شد و مشکلات پیاپی و خسته کننده، آسان گردیده و مجد و بزرگی از دست رفته چون قطرات باران بر او فرو می‌بارند، رحمت بازداشته حق بازمی‌گردد و نعمت های الهی پس از فرونشستن به جوشش می‌آیند و برکات تقلیل یافته فزونی گیرند».

از پروردگار خود آموزش بخواهید، که آمرزنده است، برکات خود را از آسمان بر شما فرو می‌بارد و با بخشش اموال فراوان و فرزندان، شما را یاری می‌دهد و باغستان‌ها و نهرهای پر آب در اختیار شما می‌گذارد.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَمَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقٌ» (ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۲، قم: علامه. اول: ۱۳۷۹ ق، ص ۱۱۰).

«گشایش و راحتی در عدل است و هر کس محیط عدل در نظرش تنگ آید، عرصه جور و ستم بر وی تنگ‌تر خواهد بود» (حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاء، ترجمه احمد آرام، ج ۶، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول: ۱۳۸۰ ش، ص ۵۰۸) و (لیثی واسطی، علی بن محمد. عیون الحکم و المواعظ (لیثی). قم: دار الحدیث. اول: ۱۳۷۶ ش، ص ۳۵۳) و (تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. غرر الحکم و درر الکلم. قم: دار الكتاب الإسلامی، دوم: ۱۴۱۰ ق، ص ۴۸۰) و (شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، پیشین، ص ۱۶)

با توجه به احادیث فوق عدل نه تنها باعث تنگی معیشت نمی‌شود بلکه گشایش روزی را در بر خواهد داشت. حال آن که مردم در پی وسعت رزق به تبعیض و ظلم و تضییع حقوق دیگران رو می‌آورند.

باز در آیات ذیل دلیل تنگی معیشت، روگردانی از یاد خدا خوانده شده است، موانعی جهت برخورداری از نعمت‌ها وجود دارند از جمله: بداخلاقی، عدم صله رحم و...

در قرآن طی آیاتی به این موضوع اشاره شده که بعضی از آنها را در ذیل می‌آوریم.
«... وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (طه/ ۱۲۴)؛

«... هر کس از یاد من روی بگرداند معیشتی تنگ و نکبت بار خواهد داشت»
امام علی علیه السلام می‌فرماید: «خداوند بندگان خود را که گناه کارند، با کمبود میوه‌ها و

جلوگیری از نزول برکات و بستن در گنج‌های خیرات، آزمایش می‌کند، برای آن که توبه کننده‌ای بازگردد و گناهکار، دل از معصیت بکند و پند گیرنده، پند گیرد و بازدارنده، راه نافرمانی را بر بندگان خدا ببندد و همانا خدا استغفار و آمرزش خواستن را وسیله دائمی فروریختن روزی و موجب رحمت آفریدگان قرارداد».

آیت الله جوادی آملی در مفاتیح الحیاه با اشاره به آیه: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (۲۷/ بقره)

«کسانی که پیمان خدا را از پس آنکه آن را بستند می‌شکنند و رشته‌ای را که خدا به پیوستن آن فرمان داده، می‌گسلند و در زمین تباهی می‌کنند آنها خودشان زیانکاران‌اند» (طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، پیشین، ص ۱۴۰).

«ایشان قطع رحم را پیمان شکنی و با استناد به کتاب کافی (ج ۶، ص ۵۰) از علل سریع فنا و نابودی بشر می‌داند» («رک»، جوادی آملی، عبدالله. مفاتیح الحیاه، قم: مرکز نشر اسراء، یکصد و هشتاد و هشتم: ۱۳۹۴ ه.ش، صص ۲۱۰ و ۲۱۱)

در دید عامه مردم قواعد خاصی برای ارتباط با نزدیکان وجود دارد از جمله ارتباط متقابل با افرادی که قبلاً در حق ما لطفی داشته‌اند و قطع روابط با کسانی که به هر دلیل کمتر سراغی از ما می‌گیرند. کوتاهی در امر نماز و سایر فرائض در زمان شادی و غافل از این که این موارد مانع جدی افزایش روزی است.

۴. موانع اجتماع اقتصاد مقاومتی

۴-۱. مصرف‌گرایی و رفاه زدگی

یکی از موانع اقتصاد مقاومتی مصرف‌گرایی و رفاه زدگی است. مصرف‌گرایی باعث از بین رفتن بهینه کالا و وسایل تولید شده که قابل استفاده هستند می‌گردد. جامعه را به وابستگی نزدیک و استقلال اقتصادی را به خطر می‌اندازد. کار و تلاش را بی رونق و نیاز به کالاهای خارجی و تولید غیر داخلی را بیشتر می‌کند. در صادرات و واردات کشور اختلال ایجاد می‌کند. اسلام ضمن اینکه با رفاه و آسایش انسان‌ها مخالف نیست و آن را لازم می‌داند، اما با هر گونه تجمل‌گرایی و غرق شدن در لذات که به طغیان انسان‌ها منجر می‌شود، مخالف است و با آن مبارزه می‌کند.

اصولاً شیوه مصرف در جامعه اسلامی، نباید به گونه‌ای باشد که عده‌ای غرق در نعمت‌ها باشند و عده‌ای دیگر، محروم از آنها. اگر چنین اتفاقی بیفتد، جامعه در معرض تهدید، تنفر و انزجار خدای متعال خواهد بود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ذُرِّهِمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَ يُلْهِمَهُمُ الْأَمْلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (حجر، ۳): «بگذار آنها بخورند، و بهره گیرند، و آرزوها آنان را غافل

سازد ولی بزودی خواهند فهمید!»

و در جای دیگر غرق شدن در نعمت‌ها و افراط در بهره‌برداری از آنها را ویژگی کافران توصیف می‌کند: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ». (محمد، ۱۲)؛ «در حالی که کافران از متاع زودگذر دنیا بهره می‌گیرند و همچون چهارپایان می‌خورند، و سرانجام آتش دوزخ جایگاه آن‌هاست!» امام سجاده (ع) در دعایی از خداوند چنین درخواست می‌کند: «خدایا مرا از اسراف و زیاده‌روی باز دار. به بخشش و میانه‌روی قوام بده و حُسن تقدیر را به من بیاموز و به لطف خود مرا از تبذیر نگاه دار.» (حرّانی، حسن بن علی بن شعبه. پیشین، ص ۴۸)

نمونه‌هایی از مصرف‌های بی‌رویه در کشور

پدیده مصرف‌گرایی یا همان کانسیومریزم (consumerism) یکی از همان ایسم‌هایی است که از تفکر مادی غرب به کشورهای جهان سومی به ارمغان رسیده است که با مفاهیمی همچون مصرف برای مصرف، اصالت مصرف، حاکمیت مصرف‌کننده، جامعه‌ی مصرفی، فرهنگ مصرفی، سرمایه‌داری مصرفی شناخته می‌شود. یکی از شاخصه‌های مصرف‌گرایی، مصرف به عنوان سبک زندگی است. اساساً مصرف‌گرایی بعد از گذر از دوران‌های مختلف حیات خویش یعنی دوران مصرف برای تفاخر و کسب منزلت، دوران مصرف برای همخوانی با طبقه اجتماعی خاص، دوران مصرف برای تمایز از طبقات اجتماعی دیگر و دوران مصرف برای ساخت هویت، نهایتاً اکنون به دوران مصرف به عنوان سبک زندگی رسیده است. یعنی دقیقاً تنها و تنها آنچه که سبک زندگی یک فرد را در جامعه شکل می‌دهد، مصرف آن فرد است.

البته این نوع از مصرف تنها شامل مصرف کالاهای مادی نمی‌شود بلکه مصرف نشانه‌ها و نمادها، مصرف کالاهای فرهنگی نظیر کتاب، موسیقی، انواع تفریحات و سرگرمی‌ها، حضور در نمایشگاه‌ها و سینماها و مانند آن را نیز دربرمی‌گیرد. به قول فیتزستون اصطلاح سبک زندگی در فرهنگ مصرفی معاصر معنای ضمنی‌ای معادل فردیت، بیان خویشتن و یک خودآگاهی مبتنی بر سبک پیدا کرده است که مواردی چون تن، پوشاک، طرز صحبت کردن، وقت‌گذرانی، ترجیحات خوردنی و نوشیدنی، منزل، اتومبیل، انتخاب محل تفریح و سایر کارهای شخص را باید به عنوان شاخص‌های فردیت و سلیقه‌ی مصرف‌کننده به حساب آورد. همه‌ی مواردی که فیتزستون بدان اشاره می‌نماید در واقع بخشی از سبک زندگی است که توسط مصرف تعیین می‌شود. در واقع باید گفت مصرف‌گرایی در ایران، حتی مقدس‌ترین ارزش‌های ما را نیز به خود آلوده کرده است و همه‌ی آن انگیزه‌های الهی را با انگیزه‌های مادی، فخرپوشانه و خودبینانه جایگزین کرده است.

درست مصرف کردن می‌تواند از کوچک‌ترین نهاد جامعه، یعنی خانواده آغاز شود و به کل

جامعه گسترش یابد. چراکه مصرف درست و خوب، برای اقتصاد هر جامعه پشتوانه بزرگی است. اما در کشور ما وجود تأکید آموزه های دینی بر مصرف بهینه، کمتر شاهد نمونه های عملی آن، هم در خانواده و هم در جامعه هستیم.

نمونه هایی از مصرف های بی رویه در خانواده و جامعه وجود دارد که مانع و سدّی برای اقتصاد مقاومتی است که عبارت است از:

مصرف در ایران در مقایسه با جهان

به این ترتیب است که آمار های مصرف در ایران و مقایسه آن با سایر کشور ها، خیره کننده و تعجب برانگیز است. کشور چین با جمعیت یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر جمعیت، نخستین مصرف کننده طلای زینتی است.

دومین کشور، هند با جمعیت یک میلیارد و دویست میلیون نفر و اما رتبه سوم متعلق است به کشورمان ایران که حتی گوی سبقت را در واردات طلای زینتی از کشورهای ثروتمندی مانند آلمان، فرانسه، ژاپن و حتی کشور ها عربی ربوده است. و بماند که ایران هفتمین مصرف کننده لوازم آرایش در جهان است. و البته رتبه ایران در توریسم غیر علمی و تاریخی هم زبان زد است. ایرانی ها به نسبت بسیاری از کشورهای ثروتمند جهان بیشتر به سفرهای توریستی می روند و جالب است که بدانید کشورهایی مانند امارات متحده عربی، تایلند، ترکیه و بلغارستان هدف توریسم ایرانی است! و این آمار به معنای خروج هنگفت ارز بدون آوردن دستاوردی ارزشمند است.

کار شناسان می گویند هیچ کشوری مانند ایران کلکسیون خودروهای رنگارنگ و متنوع نیست. خودروهایی وارداتی از روس، چین و مالزی تا اتول های ساخت کشورهای اروپایی، غربی و آمریکای شمالی (اخری، عباسعلی، اقتصاد مقاومتی، زمینه ها- راهکارها، ۱۳۹۲، ص ۵۴).

در هر حال در طول تاریخ، با پیشرفت مصرف گرایی تولید کالای داخلی در کشور سرکوب شد. ایران که در ابتدای دهه ۳۰ شمسی تولید کننده و صادرکننده مواد غذایی بود، در دهه ۱۰ تبدیل به بزرگ ترین وارد کننده مواد غذایی غرب قاره آسیا شد و این یعنی تلاش حکومت پهلوی در نابود کردند تولید ایرانی به نتیجه رسیده بود. اما بعد از پیروزی انقلاب روند مصرف افراطی برای مدتی متوقف شد و عملاً مصرف گرایی جای خود را به ساده زیستی انقلابی داد.

با پایان جنگ و رسیدن به ثبات اقتصادی، روند مصرف گرایی در جامعه آغاز شد و جانی دوباره گرفت. در این میان حضور رسانه ها از جمله ویدئو، ماهواره و اینترنت، اشتیاق جامعه به مصرف گرایی را زیاد کرد و کار به امروزی رسید که جامعه ای مصرف گرا به جا مانده است.

در هر حال، دلایل بسیاری برای مصرف گرایی ایرانیان اعلام می شود تا جایی که اطلاعات بدست آمده نشان می دهد مصرف نان و بنزین ایرانی ها ۶ برابر مردم جهان است:

یکی از عوارض تغییر سبک زندگی در جامعه امروز ما، فاصله گرفتن از ساده زیستی و مصرف منطقی و گرایش به زیاده روی و اسراف است که متأسفانه در کشور ما این رویه نادرست باعث تحمیل هزینه به سبد اقتصادی خانواده و زیان به کشور شده است. سرانه مصرف سالیانه نان مردم ایران ۱۶۰ کیلو گرم در مقایسه با سرانه ۲۵ کیلوگرم در جهان است. این آمار به این معنی است که ایرانیان ۶ برابر مردم نقاط دیگر نان استفاده می کنند. در مصرف بنزین با توجه به سرانه مصرف روزانه ۹۰ لیتر در ایران و ۱۵ لیتر در جهان بازهم مصرف ایرانیان ۶ برابر میانگین مصرف جهانی است. همه این ها اما در حالی است که زیاده روی و اسراف هم از نظر باورهای دینی خلاف محسوب می شود و هم از نظر فرهنگ مصرف و رفتار اجتماعی باعث بی توجهی به سرمایه های ملی می شود اما با این حال روز به روز این فرهنگ میان مردم نهادینه تر می شود. همچنین آمارحاکمی از اسراف هولناک انرژی، آب، مواد خوراکی و کشاورزی در ایران است تا جایی که ایران در مصرف آب، برق و گاز از متوسط جهانی نیز پیشی گرفته و هدررفت و مصرف غیراصولی را در کارنامه خود ثبت کرده است. شیوه های نادرست مصرف و تبدیل شدن آن به فرهنگی غلط در جامعه ایرانی کار را به جایی رسانده است که ایران به شاخصی برای مصرف گرای و اسراف در بخش های مختلف تبدیل شود. آخرین آمار ارائه شده از سوی سازمان جهانی خوار بار (فائو) از هدررفت ۳۵ میلیون تن مواد غذایی در ایران حکایت دارد؛ میزان غذایی که با آن می توان ۱۵ میلیون ایرانی را سیر کرد. این در حالی است که مسئولان فعال در حوزه تغذیه و مواد غذایی آمار دقیقی از دور ریز غذا در کشور ندارند و در این حوزه تنها می توان به آمارهای سازمان های جهانی تکیه کرد. اگرچه آن طور که کارشناسان می گویند بخش عمده ای از دورریز غذا در کشور در زنجیره تولید تا مصرف یعنی مزرعه تا سفره به هدر می رود و شکل تولید، شیوه برداشت و مکانیسم توزیع و حمل مواد غذایی در میزان دورریز غذا در کشور موثر است؛ اما نمی توان از فرهنگ نادرست حاکم بر خانواده در خصوص شیوه مصرف مواد غذایی نیز غافل شد. مصرف نادرست و اسراف گرایانه ای که از فرهنگ اشتباه حاکم بر خانواده ها و جامعه نشات گرفته و سبب شده است تا بریز و پاش ها و تجمل گرایی هایی ناشی از چشم و هم چشمی نیز سهم بسزایی در دورریز و هدررفت غذا در جامعه داشته باشد (اختری، عباسعلی، اقتصاد مقاومتی، زمینه ها - راهکارها، ۱۳۹۲، ص ۵۶)

سرانه هدررفت روزانه غذا در ایران ۱۳۴ کیلوکالری است

بر اساس گزارش سازمان جهانی خوار بار (فائو)، ایران از جمله کشورهایی است که هرساله درصد بالایی از مواد غذایی تولیدی را به هدر می دهد. برآوردهای فائو نشان می دهد هر روز به ازای هر نفر ۱۳۴ کیلوکالری غذا در ایران به هدر می رود، یعنی سرانه هدررفت روزانه غذا در ایران ۱۳۴ کیلوکالری است.

همچنین گزارش های غیررسمی نشان می دهد که ۳۵ درصد محصولات کشاورزی تولیدی در ایران به هدر می رود. بر این اساس از ۱۰۰ میلیون تن محصول کشاورزی تولیدی در کشور ۳۵ میلیون تن در سال دور ریخته می شود. این رقم معادل غذای ۱۵ میلیون نفر است. در این زمینه می توان به ۳۰ درصد ضایعات در نان، ۳۰-۲۵ (و حتی ۵۰) درصد ضایعات در میوه ها و سبزیجات، ۱۰ درصد ضایعات در برنج، ۲۵ درصد ضایعات در خرما و ... اشاره کرد.

ایرانی ها دو برابر سرانه جهانی آب مصرف می کنند. وضعیت مصرف آب در کشور شرایط خوبی ندارد و به نوعی چراغ قرمز برای مصرف آب را روشن کرده است. در شرایط نرمال بارشی میزان بارش ها در کشور به طور متوسط ۲۵۰ میلی متر در سال است، وضعیت بارندگی در ایران یک سوم بارندگی در جهان است و در ایام خشکسالی به ۲۰۰ تا ۲۰۵ میلی متر در سال نیز می رسد. با این حال مصرف آب در بخش شرب و بهداشتی دو برابر اروپاست؛ سرانه مصرف آب در اروپا روزانه ۱۵۰ لیتر به ازای هر نفر است و در ایران ۳۰۰ لیتر به ازای هر نفر.

راندمان آبیاری کشاورزی در ایران تنها ۳۵ درصد است در حالی که راندمان آبیاری جهانی ۷۰ درصد است و این یعنی راندمان آبیاری کشاورزی در ایران نصف راندمان جهانی است. آخرین آمارها از مصرف آب در کشور حکایت از سهم ۹۱ درصدی کشاورزی، ۶ درصدی شرب و بهداشت و ۳ درصدی صنعت و خدمات دارد. به گفته این کارشناس تنها ۴۰ تا ۴۵ میلیارد متر مکعب از آب مصرفی در کشور از منابع آب های سطحی برداشت می شود و مابقی که رقمی نزدیک به ۵۰ میلیارد متر مکعب را شامل می شود از منابع آب های زیر زمینی برداشت می شود. بر اساس اعلام بانک جهانی الگوی مصرف آب آشامیدنی برای یک نفر در سال یک متر مکعب و برای بهداشت در زندگی به ازای هر نفر ۱۰۰ متر مکعب اعلام شده است در حالی که در ایران این رقم به دلیل استفاده نادرست از آب آشامیدنی برای شست و شوی خودرو، استحمام، آبیاری باغچه ها، لباس شویی و ظرف شویی حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد بیشتر از الگوی جهانی آن است. صرفه جویی و استفاده بهینه از ضروریات در مصرف آب است؛ زیرا هم اکنون کشور با خشکسالی مواجه است اما میزان هدررفت آب در ایران ۲۸ تا ۳۰ درصد است. در حالی که این میزان اتلاف آب در دنیا ۹ تا ۱۲ درصد گزارش شده است.

میانگین مصرف برق در ایران سه برابر استانداردهای جهانی است

با پیشرفت روز افزون تکنولوژی و افزایش سهم دستگاه های برقی در زندگی، میزان مصرف برق در بین خانواده های ایرانی نیز اهمیت ویژه ای یافته است. تا جایی که بر اساس آخرین آمارها، متوسط مصرف سرانه برق خانگی در ایران ۲۹۰۰ کیلووات ساعت است، در حالی که متوسط مصرف جهانی برق خانگی کمتر از ۱۰۰۰ کیلووات ساعت است. بدین ترتیب متوسط مصرف سرانه برق خانگی در کشور ما سه برابر متوسط جهانی است، از این رو برق مصرفی توسط

خانوارهای ایرانی با در نظر گرفتن استانداردهای جهانی پاسخگوی ۲۰۰ میلیون نفر جمعیت است، در نتیجه صرفه جویی در مصرف برق مشترکان خانگی ضرورت دارد که با فرهنگ سازی و بهینه کردن لوازم خانگی برقی مخصوصاً به کارگیری چراغ های کم مصرف شاهد کاهش مصرف برق در این بخش خواهیم بود بدون این که به رفاه مشترکان لطمه ای وارد شود (اختری، عباسعلی، اقتصاد مقاومتی، زمینه ها- راهکارها، ۱۳۹۲، ص ۵۷).

۴-۲. اسراف در پذیرایی ها و پخت و پز

از روش های دیگر مصرف نامناسب در جامعه، اسراف در پذیرایی ها و پخت و پز بخصوص در مهمانی هاست. در برخی از این مجالس، در تالارها و رستوران ها با انواع غذاها و میوه های گران قیمت از میهمانان پذیرایی می کنند، درحالی که با هزینه کمتر می توان این کار را در خانه انجام داد. بعضی نیز که در خانه از مهمانان پذیرایی می کنند، بیش از اندازه و چند نوع غذا بپزند که به اندازه چند وعده غذایی است. هرچند که بسیاری از این غذاها که با هزینه فراوان تهیه شده است، پس از رفتن میهمانان، بدون اینکه حتی دستی به آنها خورده شده باشد، دور ریخته می شوند. اسلام این گونه افراد را بسیار نکوهش می کند. قرآن مجید در این باره می فرماید: **وَكُلُوا وَشَرِبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ**. (اعراف، ۳۱): «و بخورید و بیاشامید، (ولی) زیاده روی نکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد.» (محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، الوافی، ۱۴۱۹ ج ۴، ص ۶۴۶)

۴-۳. مصرف بی رویه دارو

متأسفانه در کشور ما دارو نیز مانند مواد غذایی، بی رویه مصرف می شود. طوری که گاه مصرف بی رویه دارو، درد دیگری ایجاد می کند. امام علی می فرماید: «چه بسا دارویی که دردی را به بار آورد»؛ زیرا در برخی موارد، افراد به جای مدارا کردن با درد، برای بهبودی، به داروهای گوناگون و گاه زبان بار پناه می برند. این در حالی است که بنا به فرمایش امام علی (ع) با برخی بیماری ها باید مدارا کرد: «تا زمانی که می توانی، با بیماری ات بساز.»

این واقعیت ایجاب می کند اولاً، مصرف دارو، به تجویز پزشک باشد و نهایتاً، تنها در صورت ضرورت و ناچاری از آن استفاده کرد. در حدیثی از امام صادق (ع) می خوانیم «**اِحْتِنَبِ الدَّوَاءَ مَا اخْتَمَلَ بَدَنُكَ الدَّاءَ**» (کلینی، محمد بن یعقوب. پیشین. ج ۱، ص ۳۴۶)

۵. تجمل گرایی

در اسلام، موضوع جمال و تجمل، امری پسندیده محسوب شده و مورد سفارش قرار گرفته است. قرآن کریم می فرماید: «**قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي آتَىٰ أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ**» (اعراف، ۳۱) «بگو، چه کسی زینت های الهی را، که برای بندگان خود آفریده، حرام کرده است؟»
اما گاهی تجمل ناشی از زیاده خواهی و اسراف است. که در این صورت، افزون بر خطرات

اخلاقی که برای جامعه دارد بر روند توسعه و به طور کلی اقتصاد جامعه تأثیرات سویی خواهد داشت.

گاهی شخص امکانات، خوراک و پوشاک دارد؛ اما هر چیز جدید و زیبای دیگر را می بیند، می خرد .

دل بستگی به دنیا دارد، در حالی که در حدیث از پیامبر اکرم (ص) آمده است؛ «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ حَطِيئَةٍ»؛ دل بستگی به دنیا، ریشه همه گناهان است. (کلینی، محمد بن یعقوب. پیشین. ج. ۲. ص ۱۳۰) همچنین آفت تجمل گرایی، جامعه را دچار بحران اقتصادی و افراد جامعه را دچار بحران روحی می کند .

دل بستگی به دنیا و حس افزون طلبی چنان در جان این جوامع رسوخ می کند که امام باقر می فرماید:

۶. مد گرایی

آنچه زنان را از اتخاذ یک الگوی مصرف منطقی و متناسب باز می دارد، گرایش ذاتی آنان به مد گرایی و چشم و هم چشمی در مصرف است.

«مد» یک هوس عمومی است که از ضعف های روحی انسان احساس کمبود و حقارت، چشم و هم چشمی و تمایل به اثبات برتری سرچشمه می گیرد و از آن بهره می جوید (زارعی، پرویز. بازاریابی و مدیریت بازار. ۱۳۸۷ ص ۲۴۹).

مدگرایی در آرایش لوازم خانه، از دیگر جلوه های مصرف نادرست در جامعه است. برخی افراد سعی می کنند تمامی لوازم خانه را بر اساس مُد روز بازسازی کنند که این کار امروزه شامل همه خانواده ها می شود. حتی گاه دیده می شود که افراد مستضعف، تحت تأثیر دیگران، برای عقب نماندن از قافله مد، به طور قسطی لوازمی می خرند که هزینه بالایی دارد. به هر حال، زیاده روی در اسلام نکوهیده است. رسول خدا می فرماید: «مَنْ أُعْطِيَ فِي غَيْرِ حَقِّ فَقَدْ أُسْرِفَ» (حکیمی، محمدرضا. پیشین، ج ۴. ص ۳۳۱)؛ هر کس مال و امکانات را نابه جا هزینه کند، اسراف کرده است.»

۷. قاچاق و واردات بی رویه کالا

نبود نظارت دقیق بر ورود کالاهای قاچاق و رشد بی رویه واردات کالاهای خارجی از راه های ورودی کشور و عدم توان رقابت سالم برای تولیدکنندگان ایرانی، نه تنها انگیزه تولید خلاقیت را از این تولیدکنندگان می گیرد، بلکه کالای تولیدی ایرانی در شرایط کیفی مساوی با عدم استقبال در بازارهای عرضه و تقاضای داخلی رو به رو می شود .

قاچاق کالا عبارت است از نقل و انتقالات مخفیانه کالا از خارج به داخل یا از داخل به خارج کشور، بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی و بدون توجه به مقررات مربوط به

آن‌ها (اختری، عباسعلی، اقتصاد مقاومتی، زمینه‌ها - راهکارها، ۱۳۹۲، ص ۱۶۸). قچاق نوعی تجارت کالا است که قوانین و مقررات حاکم بر داد و ستد کالاها را دور می‌زند و پدیده‌ای نامطلوب است که اقتصاد کشور را از مسیر صحیح خارج می‌کند. قچاق کالا از یک سو هزینه واردات را بیش از حد مورد نظر دولت بالا می‌برد و از سوی دیگر اهداف دولت در تخصیص ارز به واردات کالاهای ضروری و سرمایه‌ای و واسطه‌ای را به منظور رشد تولیدات داخلی مخدوش می‌سازد. زیرا کالاهای قچاق معمولاً مصرفی و غیر ضروری هستند و تأثیر مثبتی بر رشد تولیدات داخلی ندارند. همچنین بر الگوی مصرف جامعه نیز اثرات نامطلوبی دارند و تولیدات داخلی را نیز با رقابت فشرده تری در بازار داخلی مواجه می‌سازد. لذا قچاق کالا اساس سیاست‌های بازرگانی دولت و توازن تجاری مورد نظر آن را مخدوش می‌نماید (اختری، عباسعلی. پیشین. ص ۱۶۸).

پس اقدام کنندگان به قچاق این گونه به سرمایه ملی ضربه وارد می‌کنند و موجب فرار اموال ملت مسلمان به کیسه بیگانه می‌شوند (اسحاقی، حسین. مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی. ۱۳۹۰، ص ۲۴۱).

۸. موانع اخلاقی اقتصاد مقاومتی

مهم‌ترین موانع اخلاقی اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

- ۱- اسراف و تبذیر
- ۲- کم‌فروشی و اجحاف
- ۳- احتکار

نتیجه گیری

در این پژوهش به بررسی مفهومی و مصداقی استقامت در قرآن و سنت با تأکید بر اقتصاد مقاومتی پرداخته شد. همچنین در این پژوهش مولفه‌های اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن و سنت مورد بررسی قرار گرفت؛ و مشخص شد که اقتصاد مقاومتی مقدمه و لازمه استقلال در زمینه‌های دیگر مانند فرهنگی، سیاسی، نظامی و ... هست. همچنین مولفه‌ها و جزئیات اقتصاد مقاومتی از قبیل مرد می نمودن اقتصاد، توازن ثروت، داشتن روحیه جهادی، ایثار و حفظ عزت و استقلال است که به موارد از نگاه اسلامی توجه ویژه صورت گرفته است.

بررسی ویژگی‌ها و شرایط استقامت در زمینه اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن و سنت ما را به این نتیجه می‌رساند که در درجه اول استقامت در زمینه‌ی اقتصاد نقش مهمی در بالندگی کشور و رساندن ملت به سعادت و کمال دارد.

نتیجه دیگری که از این پژوهش به دست می‌آید شناسایی استقامت است که با شناخت ویژگی‌های آن به این نتایج می‌رسیم که استقامت دارای ویژگی‌هایی چون ولایت مداری، عدالت، استقلال و ... است. دانسته شد استقامت، فرهنگ ولایت‌مداری است یعنی حرکت در مسیر راستین خدا در تمام امور زندگی ما حاضر باشد. همچنین فهمیدیم استقامت، فرهنگ سختی و تکلیف است، یعنی همراه با استقامت باید صبر و تحمل باشد، البته نتایج آن نیز به موازات این سختی‌ها بزرگ‌اند.

یکی دیگر از ویژگی‌های استقامت در زمینه اقتصاد، سعی و تلاش و قناعت ورزیدن است. پس از بیان ویژگی‌های استقامت به شرح اهداف استقامت در اقتصاد پرداخته شد. استقامت دارای اهدافی است که همگی برای جامعه‌ی اسلامی اموری حیاتی هستند. اهدافی مثل حفظ استقلال و عزتمندی مسلمین، اقتدار، نفی هرگونه سلطه مطابق قاعده‌ی نفی سبیل، خودکفایی و عدم وابستگی به قدرت‌های دیگر و تقویت روحیه‌ی مسلمانان که با نهادینه سازی استقامت می‌توان به آنها رسید.

یکی دیگر از بخش‌های این پژوهش بررسی موانع پیش‌روی استقامت در زمینه اقتصاد مقاومتی بود. از جمله موانع، می‌توان به بروز فساد اقتصادی در کشور اشاره کرد که به نوعی مهمترین مانع پیش‌روی استقامت است زیرا تاثیر زیادی روی افکار و روحیه افراد دارد.

بنابراین تجربه ثابت کرده که حل مشکلات اقتصادی کشور با تغییر سیاست خارجی و کنار آمدن با مستکبرین، ممکن نیست، لذا با تمسک به قرآن کریم و معارف اهل بیت علیهم السلام، که به مبانی نظری و عملی اقتصاد مقاومتی، بصورت تلویحی و یا تصریحی پرداخته‌اند، پیشرفت اقتصادی کشور را باید از ظرفیت‌های درون کشور و درون مردم تأمین کرد.

تحقق اقتصاد مقاومتی، که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جهت اصلاح ساختار اقتصادی کشور، در سال ۱۳۹۲ ش ارائه شده است تحریم‌های دشمنان علیه جمهوری اسلامی ایران را کم اثر می‌کند.

از طرفی محسنات رفع تحریم‌ها و رفاه را همه می‌دانند و همه، کم یابیش، مشتاقانه منتظرش بوده‌اند اما همین اتفاق با همه محسناتش، می‌تواند به عاملی برای تخریب نامحسوس اقتصاد و فرهنگ کشور تبدیل شود.

جبهه استکبار و در رأس آنان، آمریکا، به ناحق و به جرم نکرده، تهدید و تحریم‌مان کرده- اند و چاقوی تحریم را به شاه‌رگ اقتصادی‌مان فرو کرده و هنوز هم نگه داشته‌اند تا تنها نظام مخالف امپریالیسم را سر جایش بنشانند. در این شرایط، اقتصاد مقاومتی، حلال مشکلات است (روزنامه کیهان ۱۳۹۴/۲/۹)

البته تحقق اقتصاد مقاومتی در کشوری که قرن‌ها مستعمره‌ی استعمارگران بوده و در این ۴۰ سال، با چالش‌های متنوع و متعدد سیاسی، نظامی، اقتصادی رو به رو بوده، و اقتصاد آن متکی به نفت می‌باشد، آسان نیست.

طبیعی است تا زمانی که دولت مردان زیر ساخت‌ها را (نظیر دوری از خام‌فروشی نفت، جداسازی آب آشامیدنی از فاضلاب، به روز کردن نیروگاه‌ها و کارخانجات مولد، و...) آماده نمایند، حداقل‌ها را (نظیر مدیریت در مصرف) باید انجام داد و به قول امام علی علیه‌السلام: «گرفتن کم خوبی‌ها بهتر از ترک همه آن است.» (دشتی، محمد، پیشین، حکمت ۲۸۹)

پیشنهادات

باتوجه به اینکه مقاله مجال اندکی برای انجام یک کار پژوهش عمیق است؛ برای تفحص و ژرف‌نگری در موضوعاتی چون استقامت در زمینه‌ی اقتصاد، که نقش مهمی در پیشرفت کشور دارد و باتوجه به اوضاع کنونی در شرایطی که ایران در منطقه و جهان دارد و همچنین دور بودن جو کشور و همچنین اگرچه همه‌ی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مهم هستند لیکن برخی دارای اهمیت بیشتر و آثاری ملموس‌تر در زندگی مردم هستند به عنوان نمونه:

۱- تحقق اقتصاد مقاومتی نیاز به همت همه‌جانبه مسئولین و مردم دارد لازم است به تولید ملی بها داده شود، تلاش شود تا اقتصاد کشور از وضعیت تک محصولی نجات پیدا کند. باید به تولیدات داخلی و بومی‌گرایی بها داده شود و زیرساخت‌های اقتصادی کشور توسعه یابند و بر مبنای اقتصاد اسلامی الگوی اقتصاد مقاومتی مطابق شرایط و وضعیت اقتصادی کشور تبیین گردد.

۲- پیشنهاد می‌شود عناوین استقامت در قرآن با تأکید بر اقتصاد مقاومتی در پایان‌نامه‌ها، بیشتر مورد توجه دانشجویان و پژوهشگران قرار گیرد و دفتر پژوهش، دانشجویان را به این سمت سوق دهد.

۳- هر یک از فصول این پایان‌نامه می‌تواند موضوع واحد برای انجام یک پژوهش جامع در مورد اقتصاد مقاومتی باشد که انجام آن باعث به دست آوردن نتایج خوب و کاربردی برای مردم خواهد بود.

۴- با انتخاب شایسته و تقدیر از کارکنان مقید روحیه جهاد و ایثار تقویت می‌شود بنابراین پیشنهاد می‌شود در امور اقتصادی راه را برای ورود و رشد این افراد باز نموده و به جای رابطه ضابطه را حاکم نماییم تا شاهد رونق اقتصاد باشیم.

۵- پیشنهاد می‌شود افراد تحصیلکرده و روشنفکر از قبیل دانشجوی، اساتید گرانقدر و تمام کسانی که به نوعی الگوی افراد جامعه هستند با بکارگیری استقامت و اقتصاد مقاومتی در رفتارها و تعاملات اقتصادی خویش، زمینه‌ساز ترویج آن در جامعه گردند.

۶- و در نهایت پیشنهاد می‌شود علاقمندان و پژوهشگران تحقیقات جامعی در این باره انجام دهند.

فهرست منابع

۱. آقابخش‌علی، علی. فرهنگ علوم سیاسی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران. ۱۳۱۱
۲. آقائزری، حسن. نظریه پردازی، اقتصاد اسلامی. تهران: سازمان سمت. ۱۳۸۱
۳. اختری، عباسعلی. اقتصاد مقاومتی: زمینه‌ها راهکارها. تهران: امیر کبیر. ۱۳۱۲
۴. اخوی، احمد. اقتصاد کلان. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی. پنجم: ۱۳۸۰.
۵. اسحاقی، حسین. مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی. قم: مرکز نشر هاجر. ۱۳۱۰
۶. اسلامی نوشن، محمدعلی. سخن‌ها را بشنویم. تهران: شرکت سهامی انتشار. هفتم: ۱۳۱۲
۷. اسلامی، ابوالفضل. اقتصاد فطری. تهران: انتشارات اسلامی. اول: ۱۳۱۴
۸. انوری، حسن. فرهنگ بزرگ سخن. بی‌جا: انتشارات سخن. ۱۳۸۱
۹. ایروانی، جواد. اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث. مشهد: دانشگاه علوم رضوی. ۱۳۸۴
۱۰. ابن ابی‌الحدید. شرح نهج البلاغه. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بی‌جا: دارالاحیاء الکتب العربیه، ۱۳۱۸ق.
۱۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی. الامالی. قم: دارالثقافه. ۱۴۱۴ ق.
۱۲. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارسی بن زکریا. معجم مقاییس اللغه. تهران: دارالاسلامیه. ۱۴۱۰ق.
۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی. اول: ۱۴۰۸ ق.
۱۴. الخالدی، محمود. مفهوم الاقتصاد فی الاسلام. بیروت: الطبعة الاولى: ۱۱۸۴ م.
۱۵. برازش، علیرضا. معجم غرر الحکم. تهران: انتشارات امیر کبیر. اول: ۱۳۱۱
۱۶. بندر ریگی، محمد. المنجد عربی فارسی. تهران: ۱۳۸۴.
۱۷. بهشتی، سید محمد حسین. حزب جمهوری اسلامی. تهران: بقیه. اول: ۱۳۸۸
۱۸. بیطرفان، محمد. کار و کارگر از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی. تهران: بیطرفان. اول: ۱۳۸۱
۱۹. پارکینسون، سریل نورث کوت. اندیشه‌های بزرگ در مدیریت. ترجمه مهدی ایران نژاد پاریزی، تهران: موسسه بانکداری ایران. ۱۳۱۰.
۲۰. پرور، اسماعیل. اصلاحات مبارزه با فقر، فساد، تبعیض مرکز پژوهش‌های صدا و سیما. اول: ۱۳۸۰
۲۱. پرور، کارل. جامعه باز و دشمنان آن. تهران: خوارزمی. سوم: ۱۳۸۰
۲۲. پلیت سر، ژرژ. اصول مقدماتی فلسفه. ترجمه: جهانگیر افکاری. تهران: کتاب‌های جیبی. ۱۳۱۸.
۲۳. پیروز، علی آقا و دیگران. مدیریت در اسلام. زیر نظر سید مهدی الوانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ۱۳۸۴.

۲۴. تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری. قم: مرکز مطالعات تربیت اسلامی. ۱۳۸۰ ش.
۲۵. تودارو، مایکل. توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه: غلام علی فرجادی. تهران: انتشارات برنامه و بودجه. ۱۳۱۰.
۲۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد. غررالحکم و دررالکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. اول: ۱۳۱۱.
۲۷. دیلمی، ابی محمدحسن بن محمد. ارشادالقلوب إلى صواب. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات. اول: ۱۴۱۳ ه. ق.
۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات الفاظ القرآن. تحقیق صفوان عدنان داودی. دمشق: دارالقلم. اول: ۱۴۱۱ ق.
۲۹. ربیعی، علی. زنده باد فساد؛ جامعه شناسی فساد در دولت های جهان سوم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۳۸۳.
۳۰. رحیمی اصفهانی، غلام حسین. اخلاق اسلامی. قم: بی نا. ۱۳۱۸.
۳۱. رزاقی، ابراهیم. الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی. تهران: چاپخش. اول: ۱۳۱۴.
۳۲. رسولی محلاتی، سید هاشم. ترجمه و شرح غررالحکم و دررالکلم آمدی موضوعی (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی). ششم: ۱۳۸۳.
۳۳. رشاد، علی اکبر. دانش نامه امام علی ۱. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول: ۱۳۸۰.
۳۴. رضانی، احمد. اختلاس بررسی فقهی و حقوقی. ترجمه محمدحسن مرعشی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلام. ۱۳۸۳.
۳۵. روحانی، حسن. امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک. ۱۳۸۱.
۳۶. زارعی، پرویز. بازاریابی و مدیریت بازار. تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی. بی تا.
۳۷. زبیدی، مرتضی. تاج العروس من جواهر القاموس. تحقیق مصطفی حجازی. بی جا: بی تا.
۳۸. ساموئلسون، پل. اقتصاد. ترجمه حسین پیرنیا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. پنجم: ۱۳۱۰.
۳۹. سبحانی، جعفر. فروغ ابدیت. قم: بوستان کتاب. ۱۳۸۱.
۴۰. سید نژاد، سید صادق و سید رضی سید نژاد. تولید؛ کار و سرمایه از منظر آموزه های دینی. قم: مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۱۱.



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی